



بقلم مرتضی جزائری

# تربیت و تکامل

اخلاق و ادیان

ارتباط مراحل سه گانه ( ایمان ، اخلاق ، عمل )

اسلام و اخلاق

ارزش اخلاق در نظر ما

علم اخلاق در تاریخ اجتماعی

حاصل گذشته

وظیفه روز



چون مطالبی که بعنوان اصول و مقدمات مباحث تربیتی تهیه شده بود قدری مشکل بنظر رسید ، و همکاران ارجمند آن راه مسطح با افکار همه خوانندگان محترم تشبیه نمودند ، با آنکه از نظر اصول لازم بود قبیل از شروع در مسائل اصلی منتشر گردد فعلا از انتشارش خودداری کرده بحث در مسائل اساسی تعقیب میکنیم ، و امیدواریم ضمن بحث بتوان اصول مورد نظر را نیز در موارد مناسب مورد بررسی قرار داده توضیح دهیم .

اینک پایه اخلاق در دین و وضع تاریخ آن بطور خلاصه اشاره میشود:

اخلاق و ادیان

مختصر مطالعه ای در ادیان آسمانی این حقیقت را روشن میکند : که هر دینی بر سه پایه ( ایمان ، اخلاق ، عمل ) استوار بوده و هر یک از ادیان مقدس آسمانی در این سه مرحله بنسبت استعداد فکری مردم زمان خود دستوراتی داده اند .

در این اصل، اختلافی بین ادیان دیده نمی‌شود، اختلافی که هست در خصوص هر يك از این موارد است که بر حسب اختلاف استعدادات تربیتی و فکری مردم هر عصر نقص و کمالی داشته کاستی و افزاینهائی دیده می‌شود.

از تباطه مراحل سه ساله

اگر از نظر علمی بحث شود، باید گفت ایمان ریشه پیدایش دو مرحله دیگر یعنی اخلاق و عمل می‌باشد، چه ضرورت تهذیب اخلاق و تنزیه عمل را هر کس زمانی می‌پذیرد که يك پایه ایمانی داشته باشد این نکته از نظر بحثهای روانی جای تردید نیست به همین دلیل ملاحظه می‌کنیم ادیان نیز در این مورد عین این نظریه را تأیید کرده پایه دعوت‌های خود را تنها ایمان و ایمان قرار داده‌اند.

ولی وقتی از نظر تربیتی بحث کنیم باید گفت مرحله دوم و سوم ( اخلاق و عمل ) ریشه اصلی بوده پایه پیدایش مرحله نخست ( ایمان ) در افراد می‌باشند؛ بعبارت دیگر همانطور که از نظر علمی، اخلاق و عمل صحیح بدون ایمان واقعی قابل قبول نیست، همچنین از نظر تربیتی، بدون ایجاد عمل و اخلاق صحیح توقع پیدایش ایمان کامل نابعاست.

از این جهت در بحث علمی باید از ایمان شروع کرد، و در تربیت افراد، از عمل صحیح و اخلاق درست.

در اینجا از این نکته نیز نباید غفلت کرد که همانطور که با عمل صحیح، اخلاق فاضله قابل تحصیل است، همچنین با ایجاد اخلاق صحیح بوسیله تذکرات اخلاقی و مواعظ میتوان عمل صحیح را در بین افراد ترویج نمود، بلکه در مراحل اولی از تربیت تنها با تذکرات اخلاقی صحیح میتوان عمل صحیح ایجاد کرد و هر راه دیگری عملی بنظر نمی‌رسد.

اسلام و اخلاق

در قرآن کریم نسبت به مسائل اخلاقی آنقدر توصیه و تأکید کرده که مطالعه مجموع آنچه در این مورد نازل شده ( مخصوصاً با توجه به گفته‌های حضرت رسول )

شاید این تصور را پیش آورد که این کتاب آسمانی قبل از آنکه راهنمای اعتقادی باشد يك راهنمای اخلاقی بوده یا لاقلاً در هر دو قسمت يك اندازه از اتمام قدم برداشته است ، و این خود محتاج بحث مفصلی است که بتدریج در قسمت های مختلف بطور کامل توضیح و تشریح میشود .

ارزش اخلاق در نظر ما

امروز اگر از هر يك از ما سؤال شود دین چیست ، و چه نوع مسائلی دین میگویند غالباً چنین پاسخ خواهیم داد : دین عبارت از مجموع اعتقادات و دستورات عملی است با اختلافاتی چند در هر يك از ادیان ، و در این مورد شاید کمتر بنظر کسی برسد که اخلاق را در تشریح حقیقت دین بیان کند ، و غالباً تصور میشود که اخلاقیات جنبه استثنائی و استجابی داشته و در زمره مسائل عادی محسوب اند . ولی آیا راستی حقیقت همین است و اخلاق و مسائل مربوطه بدان فرعی ، و در گوشه دین قرار گرفته اند .

بیغمبری که میگوید برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده ام و اخلاق را منشأ بعثت خود می شمارد خود بدین منشأ بنظر استثنائی نگاه می کند ؛ یا برعکس ما بدلیل عواملی از حقیقت دور مانده ایم و این در تصور ما است که دین بچنین صورتی رسم میشود .

علم اخلاق در تاریخ اجتماعی

در این مسئله تردید نباید کرد که همیشه اهمیت واقعی يك مكتب علمی کافی برای رشد اجتماعی آن نیست در بسیاری از موارد اهمیت های اجتماعی جانبدان اهمیت های واقعی میگردند و این در عصر حاضر و زمانهای گذشته آقدر مثال و شاهد دارد که ما را از استدلال بی نیاز میکند .

موضوع بحث ما از همان موارد میباشد . اصولاً در مطالعات دانشمندان دینی مسائلی بیشتر مورد توجه و مطالعه و تحقیق قرار میگیرد که بیشتر مورد تردید و بالآخره جای فکر و بررسی و مطالعه بوده و یا بیشتر مورد احتیاج افراد و سؤال و جواب واقع شود .



وروشن است که از این سه اصل ( ایمان ، اخلاق ، عمل ) در درجه اول قسمت سوم و بعداً قسمت اول دارای دو امتیاز فوق الذکر میباشد . آنچه آنچه هر صبح و شام مورد ابتلا مردم بوده از هر سمت دست احتیاج بدان دارند گانش دراز میکنند همان مسائل علمی مربوط بکارهای روز مره افراد است که بالاخره هر فرد مسلمان از دانستن آنها بدون واسطه یا بوسیله فقهاء عالیقدر دینی ناگزیر میباشد ، و از طرف دیگر چون پایه مطالعات در این رشته بر یکسلسله مبانی استوار است که جای همه گونه بحث و تحقیق میباشد خود بخود میدان وسیع تری برای زور آزمائی دانش جویانش ترتیب داده شده و اینک در کتابخانه های دنیا هزاران هزار کتاب و رساله نفیس در موضوعات مختلفه فقه اسلام وجود دارد ، و چه بسا که برای اختلاف در يك مسئله كوچك ده ها كتاب و رساله بین طرفین رد و بدل گردیده و می گردد .

از این قسمت که بگذریم قسمت نخست ( ایمان ) نیز قابل بحث شناخته شده ، هر چند که در بین مردم توجه شایسته با اصول عقاید و تحصیل استدلالی آن مشاهده نمیشود ولی بالاخره باز کم و بیش مخصوصاً با پیدایش فرق و اختلافات مذاهب مختلفه زمینة اجتماعی صحیحی برای تشویق و ترغیب نسبت بتحقیق و مطالعه در این رشته نیز فراهم گردیده و دانشمندان و متکلمین نامی اسلام در این میدان اجتماعی رشد و نمو کرده افکار محققانه ای برای همیشه بیادگار گذارده اند .

دوما قسمت دوم ( اخلاق ) چون چنین زمینة تقاضای پیدا نشد از این متاع زیاد عرضه نگردد .

اجتماع و افراد آن بدلیل يك نوع قضاوت قلبی که نسبت بمسائل اخلاقی داشته و بدون شك پذیرفته اند خود را در این مورد كاملاً آگاه دانسته جستجو و بررسی را لازم نمی شمردند ، وهم اینك ما دشما بادقت اگر بخود بنگریم خواهیم دید مانیز همین حالت را داریم .

برای ما در قسمت اول رسوم و شبهاتی دست میدهد . ولی نسبت بمسائل

اخلاقی کمتر احساس تردید میکنیم ، بنابراین چه جای تحقیق و تأمل و چه جای درس و مطالعه خواهد بود ؟

غافل از آنکه این قضاوت روشن وجدانی حکایت از اهمیت و نهایت ارزش آن کرده تفکر و بالاخره علم و اطلاع بیشتری را مستلزم میباشد ، و مطالبی که معمولاً حتی نزد وجدان انسان‌های وحشی صورت قاطعی دارد نباید وضع استثنائی پیدا کرده در حاشیهٔ مسائل قرار گیرد .

ولی بالاخره و با کمال تأسف ، اجتماع برخلاف این حقیقت عمل کرده و اینک با همه اهمیت که اخلاق در دین اسلام داشته (و در جای خود توضیح داده میشود) دانشمندانش چون دارندگانش محدودند .

#### حاصل گذشته

اشتباهی که در مراحل نخست چندان مهم بنظر نمی‌رسید با مرز زمان آثار مهمی بار آورد و حاصلی داد که بسیار تأسف انگیز است ، و اینک در اجتماعی هستیم که جلوه‌های اخلاق در آن بسیار ناچیز شده از طرفی در اثر نبودن روش تربیتی صحیح و نوشته‌های راهنما بقدر کافی ، و از طرف دیگر وجود عواملی که اخلاق فاضله را از بین برده خلقی‌های ناپسند را جایگزین می‌سازد ، اجتماع ما بصورت جهنمی در آمده که راستی زندگی کردن در آن مشکل میباشد ، و چون رابطه مستقیمی بین اخلاق صحیح و عمل صحیح از طرفی و بین اخلاق صحیح و ایمان از طرف دیگر میباشد خود بخود عقاید و اعمال شایسته جای خود را به زشت کاری و بی‌ایمانی میدهند ، شعله‌هایی از نفاق و کبر ، بدبینی ، حرص ؛ طمع ، بغل ؛ و ... از هر طرف زبانه کشیده و هر يك جمعی را در کام خود فرو میبرد ، و این خود تازه اول داستان است و وای بر آینده !

وظیفه روز

امروز بنظر میرسد قبل از هر چیز باید این انحطاط را جبران نمود ، البته برای

چیران این شکست عوامل بسیاری لازم می باشد که برانگیخته شوند ولی ازر کس کاری ساخته است و در حدود قدرت خود وظیفه ای احساس میکند .

ما راهم قدرت بیان اخلاق واقعی اسلام بطور کامل و صد درصد و آنچه اسلام نسبت باین مرحله بصورت کلی و جزئی نظر داده ، نباشد ، چون همانطور که گفته شد آنچه شایسته این مرحله بوده عملی نشده و تحقیقاتی که مورد نیاز است کاملاً بعمل نیامده است ؛ باینهمه ، در حدود تحقیق و مطالعه خود مطالب را در دسترس عموم قرار داده وظیفه خود را بقدر ممکن انجام میدهم .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی